



خمسون

معرفی کتاب خمسون و مائه صحابی مختلق» یکصد و پنجاه صحابی ساختگی

دکتر علی نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۹، سال ۹، بهمن ۱۳۵۰، فوریه ۱۹۷۲، ذی حجه ۱۳۹۲، برگه

۷۳۴ - ۷۳۲

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

دکتر علی نقی منزوی

۱.....	خمسون
۱.....	معرفی کتاب خمسون و مائه صحابی مختلق
۱.....	یکصد و پنجاه صحابی ساختگی
۳.....	عبدالله بن سبا
۴.....	سیف بن عمر
۶.....	کتابنامه
۶.....	نمایه کتاب و مقاله

خمسون

معرفی کتاب خمسون و مائه صحابی مختلق

یک صد و پنجاه صحابی ساختگی

دکتر علی نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۹، سال ۹، بهمن ۱۳۵۰، فوریه ۱۹۷۲، ذی حجه ۱۳۹۲، برگه ۷۳۲ - ۷۳۴
 یک صد و پنجاه یار ساختگی پیغمبر، نام یک منوگرافی سودمند است که یکی از روحانیان ایرانی ساکن در عراق نگاشته
 است.

در این کتاب گوشه‌ای از تاریخ بررسی شده و پرده از برخی اسرار هزار ساله اسلام برداشته است.
 یکی از فواید منوگرافی، روشن‌گری^۱ مسائلی است که گرچه به ظاهر ساده و شاید بی‌اهمیت جلوه می‌کنند؛ لیکن چون
 گسترده‌تر بررسی شوند، نتایج بس بزرگ از آن به دست می‌آید و چه بسا نادانسته‌های تاریخی که بدین وسیله کشف و نقاط
 تاریخ روشن می‌گردد.

دروغ بودن برخی از گفتارهای طبری مؤرخ سترک در تاریخ بزرگ او، مانند پیروزی‌های معجزآمیز تازیان بر ایرانیان و
 قهرمان بازی‌هایی که به سران مهاجم نسبت داده است، بر همگان روشن بود؛ لیکن پیوند منظم این دروغ‌ها و ریشه آن‌ها و
 آگاهانه و مغرضانه بودن آن‌ها به منظوره‌های سیاسی (سیاست آن روز) بدین روشنی دانسته نبود، مثلاً دروغ‌پرداز بودن سیف
 بن عمر را که راوی بیشتر آن اخبار است، خود طبری نیز گوشزد کرده است.

رجال‌شناسان نیز وی را (وضع / خبرساز) شمرده بودند، ولی دانسته نبود که این دروغ‌بافی تا سرحد شخصیت‌سازی و
 داستان‌سرایی از حوادث جعلی به نام حقایق تاریخی پیشرفته باشد.

^۱ متن مقاله: روشنفکری.

تحقیقات آقای عسکری هم چون سر پلی استوار، دانشجویان تاریخ را به میدان گشاده‌ای راهنمایی می‌کند که برای کار آماده است.

پیش از معرفی کتاب باید یادآور شد که چشم‌هم‌چشمی عموزادگی میان دو قوم سامی نژاد عرب و یهود، از دوره تسلط بر فلسطین و پراکنده شدن یهود که متمدن تر از تازیان بودند در جزیره العرب آغاز شد و با تسلط اعراب بر فلسطین در سده هفتم میلادی به صورت دشمنی درآمد و چون بسیاری از افکار یهودی در دوره آمیزش دو قوم به ساختمان جدید عقاید عرب در آمده بود، متکلمان سنی مذهب هر عقیده را که نمی‌پسندیدند، به یهود منسوب می‌داشتند و مؤرخان ایشان درباره هر حادثه تاریخی که به ضرر تازیان تشخیص می‌دادند، می‌کوشیدند تا رد پای یهود را در آن بیابند.

تازیان به حکم وضع جغرافیایی خویش که در میان دو قوم یهود و فارس سُکنی داشتند، بسیار از افکار متضاد این دو همسایه خود را پذیرفته بودند و تمدن ایشان تقریباً حد وسطی و ترکیبی از دو طرز فکر کاملاً متضاد فارس و یهود بوده است؛ لیکن چون آن مؤرخان از عهد تفکیک و تشخیص ریشه‌های اصلی آن افکار آمیخته بر نمی‌آمدند برخی از آن نظریات را که نمی‌پسندیدند، چشم‌بسته به یهود منسوب داشته و برخی را به مجوس، یعنی ایرانیان و یهود هر دو نسبت می‌دادند.

کار این تحلیل‌سازی برای تاریخ به آن جا کشید که سُنیان متعصب در پیدایش شیعی‌گری و اسماعیلی‌گری نیز در جستجوی دست یهود برآمدند. بسیاری از متکلمان هم چون باقلانی (د: ۴۰۳ ق / ۱۰۱۲ م) و ابن حزم (د: ۴۵۶ ق / ۱۰۶۲ م) و ابن تیمیه و دیگران، برای نسبت‌دادن نهضت عدلی‌گرایی (که شامل اعتزال و تشیع می‌شود) به یهود کوشش بسیار کردند، در حالی که خود ایشان بارها افکار عدلی‌مذهبان را به حق زاده فکر شرقی و تأثیر ثنویت ایرانی دانسته‌اند، و هیچ‌گونه توجهی به این تناقض‌گویی خویش نداشتند.

یهودیان نیز از این گونه تحلیل‌سازی عربان زیاد بدشان نمی‌آمد؛ بلکه آن را نشانه لیاقت خود در مبارزه برای زندگی ملی می‌شمردند. این نوع فکر کمابیش تا زمان حاضر ادامه یافت.

عبدالله بن سبا

گلدزیهر خاورشناس یهودی آلمانی بحث مفصلی در تأثیر شخصیتی به نام عبدالله بن سبای یهودی، در تأسیس مذهب شیعه در سده یکم هجری نگاشت. تحقیقات این مستشرق یهودی اروپایی مورد استفاده مؤرخان معاصر عرب پیش از جنگ دوم، مانند جرجی زیدان و احمد امین قرار گرفت و به کمک افکار نژادی پان عربیسم که رو به توسعه بود و می خواست مذهب تشیع را از میان اعراب براندازد و از سوی دیگر با انحصار تدریس تاریخ بر طبق مذهب سُنی در مدارس کشورهای عربی، این نظریه تا حدودی نیز موفقیت یافت، به طوری که مذهب تشیع در میان جوانان عرب رو به ضعف نهاد و به دشواری‌های ایده‌نولوژیکی برخورد کرد و در غیر لبنان با فشار برخی حکومت‌ها نیز روبه‌رو شد.

روحانیان شیعه نیز در برابر این بحران در نیم قرن اخیر، واکنش‌هایی از خویش نشان دادند و یکی از آن‌ها آغاز یک نوع بررسی‌های وسیع و دقیق تاریخی بود که به وسیله سید حسن صدر در بغداد و شیخ آقابزرگ تهرانی در نجف آغاز شد.

آقا سید مرتضی عسکری ساوجی^۱ نیز به نوبه خویش با بررسی تاریخ بزرگ طبری به این حقیقت برخورد که این کهن‌ترین تاریخ بزرگ شامل بسیاری از اخبار دروغ و غیر طبیعی و خرافی می‌باشد، پس با دیده شک و انتقاد به مطالعه آن ادامه داد و موفق به نشر کتابی به نام (عبدالله سبا) گردید. وی در این کتاب افسانه‌بودن شخصیت را اثبات نمود.

البته پیش از او دکتر علی الوردی^۲ در کتاب بسیار سودمند خود وعاظ السلاطین نیز وجود عبدالله سبا را انکار کرده او را همان عمار یاسر دانسته بود که سُنیان نام وی را از راه عمد تغییر داده‌اند تا بتوانند هرگونه نسبتی را انکار کرده و از جمله یهودی بودن را به او بچسبانند؛ لیکن چنان که دیدیم آقای عسکری مسأله را گسترش بیشتر داده و نتایج مفید گرفته است.

^۱ Z: سید مرتضی عسکری فرزند سید علی ساوجی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۶خ) در قم [سامرا] متولد گردید و مدت‌ها ساکن بغداد بود و دانشکده اصول‌الدین و مؤسساتی دیگر را در آن سامان تأسیس نمود.

^۲ وعاظ السلاطین، علی الوردی، چ ۱۹۵۱.

سُنیان نیز به طرفداری از سخنان احمد امین در اثبات وجود عبدالله سبا کوشیدند چنان که محمد زاهد الکوثری مقاله‌ای در باره آن نوشت و در مقدمه کتاب المقدمات الخمس و العشرون که شرحی است از ابوبکر نیریزی بر کتاب دلالة الحائرين تألیف ابن‌میمون فیلسوف یهودی، در سال ۱۳۶۹ق در قاهره چاپ کرد.

عسکری کتاب خمسون و مائه صحابی مختلق را به دنبال کتاب پیشین خود عبدالله سبا منتشر ساخت. وی در این کتاب یک تاریخ‌نگار دروغ‌پرداز را معرفی کرده است که در نیمه نخستین سده دوم هجری و هشتم میلادی می‌زیست و سیف بن عمر تمیمی نام داشت. عسکری روشن ساخت که این مرد دروغ‌گو دو کتاب در تاریخ فتوحات عرب نگاشته است و گرچه اصل این دو کتاب از میان رفته است؛ لیکن محتویات آن‌ها در چند کتاب که مؤلفانش آن‌ها را منبع کار خویش ساخته بودند، مانند دو تاریخ طبری و ابن‌اثیر به جا مانده است.

سیف بن عمر

سیف بن عمر این مؤرخ دروغ‌ساز داستان‌هایی از حوادث موهوم و افسانه‌هایی معجزه‌آمیز به منظورهایی در کتاب خود گرد آورده است. محرک وی در این دروغ‌پردازی ایجاد افتخارات بود گاهی برای قبیله مؤلف (بنی‌تمیم) و گاهی از برای خلفای راشدین و فرمانروایان بنی‌امیه بوده است، چون ریزه‌خوار سفره‌آنان است.

آقای عسکری علت دیگری نیز برای این دروغ‌پردازی یاد نموده و آن زندیق و بی‌دین بودن سیف بن عمر (مؤلف) و دشمنی او با اسلام است؛ لیکن با کمی دقت آشکار می‌گردد که واژه زندیق که نسبت به «زند»، به معنی تأویل‌کننده می‌باشد، در آن روزگار به کسانی گفته می‌شد که طرفدار علوم جدید بوده متون مقدس را طبق علم روز تفسیر و تأویل نمودند و این معنی با امثال سیف بن عمر تطبیق نمی‌کرد، چون وی این دروغ‌ها را برای کمک به عقاید سلف صالح و سُنیان خشک و برای ایجاد افتخارات برای اعراب فاتح و ضد ایرانیان که طرفدار اصلاح و تجدد نظر بوده‌اند، ساخته است و به طور خلاصه او نقطه مقابل زندیقان است.

آقای عسکری نشان داده است که یکصد و پنجاه تن از کسانی که سیف بن عمر از ایشان به نام یاران پیغمبر و راویان احادیث نام برده و از ایشان حدیث نقل کرده است، همگی ساختگی هستند و اصلاً وجود خارجی نداشته‌اند و داستان‌های

تاریخی و حوادث و جنگ‌ها و قهرمانی‌ها و معجزات و کرامات که به ایشان نسبت داده است، همگی بی‌پایه و ساختگی است. سیف بن عمر به ساختن اشخاص بسنده نکرده است؛ بلکه نام‌هایی برای شهرها و اماکن جغرافیایی دروغینی که محل آن حوادث فرض کرده، ساخته است.

در این مجلد از کتاب که انتشار یافته است، عسگری تنها درباره ۳۹ تن از ۱۵۰ تن یار دورغین و شخصیت موهوم بحث کرده است و حوادث افسانه‌ای مربوط به ایشان را نشان داده است و بحث درباره دیگران را به مجلدات دیگر واگذار نموده است. آقای عسگری نظریه خویش را براساس حقایق زیر استوار نموده است.

۱- محتویات خرافی داستان‌های سیف، مانند پیروزی‌های غیر طبیعی تازیان بر ایرانیان در جنگ‌ها و معجزات سرداران عرب هم چون گفتگو با حیوانات و جوشیدن آب از زمین‌های خشک.

۲- منحصر بودن نقل این افسانه‌ها به سیف بن عمر و ابن طبری و ابن اثیر و ابن کثیر و ابن خلدون همگی از آن گرفته‌اند.

۳- نه از شخصیت‌های ساختگی سیف در کتب رجال‌شناسی قدیم یادی هست و نه از اماکن جغرافیایی که او ساخته در کتب قدیم اثری دیده می‌شود، مگر آن چه با سند روشن از سیف گرفته شده است.

کتاب آقای عسگری با آن که ناتمام است و با آن که در برخی موارد از دیدگاه غیر علمی در آن قضاوت‌هایی شده است، باز هم یک کتاب سودمند می‌باشد و سزاوار است که به دانشجویان دانشکده الهیات و علوم اسلامی توصیه شود آن را ترجمه نمایند و راه مؤلف را اصلاح کرده به پایان رسانند و این کار حتماً در وضع اطلاعات تاریخی کنونی تغییرات مهمی را ایجاد خواهد نمود.

(خمسون و مائه صحابی مختلق، چاپ بیروت، ۱۹۶۸ در ۴۲۰ صفحه تألیف مرتضی العسکری عمید کلیة اصول الدین بی‌غداد).

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

البدایة و النهایة، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل فرزند عمر فرزند کثیر دمشقی (۷۰۱-۷۷۴ق)، ۱۴ جلد، المطبعة السلفية، مصر، ۱۹۳۵؛ مطبعة السعادة، قاهره، ۱۳۵۱ق.

تاریخ الرُّسُل و الأُمم و المُلوک، تاریخ الأُمم و المُلوک، تاریخ الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری آملی مازندرانی، جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ق / ۸۳۹-۹۲۳م)، برگردان ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۵ جلد ۱۳۵۲خ؛ چاپ دیگر: ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۶ جلد، ۱۳۵۳خ؛ چاپ سوم، ۱۶ جلد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵خ.

تأسیس الشيعة لفنون الاسلام، ابومحمد حسن صدرالدین موسوی عاملی کاظمی فرزند هادی فرزند محمدعلی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ق) آن را در سال ۱۳۳۰ق به پایان رسانید و پس از درگذشت نویسنده، نواده اش آن را در سال ۱۳۷۵ق (۱۳۷۰ق) با کمک شیخ آقابرگ به چاپ رسانید. کوتاه شده آن را نیز با نام شیعه و فنون الاسلام در سال ۱۳۳۱ق در شهر صیدا و با ۱۵۰ صفحه به چاپ رساند که دربرگیرنده بیوگرافی دانشمندان بنیان گذار فنون و دانش در میان شیعیان تا پایان سده هفتم هجرت است. صاحب الذریعه گوید: من پس از نومید شدن از چاپ کتاب تأسیس بخش هایی از آن را برای بهره‌وری خودم برگزیدم و برآن نام دُرّ النفیس فی تلخیص رجال التأسیس گذاشتم.

خمسون و مائة صحابي مختلق، مرتضی عسکری (۱۲۹۳ - ۱۳۸۶خ)، چاپ بیروت، ۱۹۶۸، ۴۲۰ برگه.

خمسون، معرفی کتاب «خمسون و مائة صحابی مختلق» یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۹، سال ۹، بهمن ۱۳۵۰، فوریه ۱۹۷۲، ذی حجه ۱۳۹۲، برگه ۷۳۲-۷۳۴.

دیوان المبتدأ و الخبر في التاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر، ابن خلدون، عبدالرحمان فرزند محمد (۷۳۲ - ۸۰۸ق)، شحاده خلیل، دار الفکر، بیروت، ۱۳۸۰خ / ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م.

الذریعة إلى التصانیف الشیعة، آیت الله شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸ خ) بیست و شش جلد در بیست و نه مجلد [جلد نهم (دیوانها) چهار مجلد است]. چاپ، نجف و تهران، از ۱۳۵۵ تا ۱۴۰۶ ق، به کوشش دکتر علی نقی منزوی و استاد احمد منزوی فرزندان صاحب الذریعة.

عبدالله بن سبأ و أساطیر أخرى، أحادیث سیف، مرتضی عسکری (۱۲۹۳-۱۳۸۶ خ)، نجف، ۱۳۷۵ ق / ۱۳۳۵ خ؛ برگردان پارسی: عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی، احمد فهري زنجانی و محمدصادق نجفی و هاشم هریسی، انتشارات مجمع علمی اسلامی، ۱۳۴۳ خ.

الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن. (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م)، سیزده جلد، بیروت: دار الصاد. کتاب دلالة الحائرين، ابن میمون، ابو عمران موسی فرزند میمون فرزند عبدالله قرطبی اسرائیلی قرطبی اندلسی (۵۳۰ - ۶۰۳ ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۵ م)، تصحیح حسین اتای، استانبول، ۱۹۷۴ م و نیز در مصر، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره. مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۹، سال ۹، بهمن ۱۳۵۰، فوریه ۱۹۷۲، ذی حجه ۱۳۹۲، برگه ۷۳۲ - ۷۳۴، خمسون، معرفی کتاب «خمسون و مائه صحابی مختلق» یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، علی نقی منزوی.

المقدمات الخمس و العشرون، ابوبکر نیریزی، تصحیح و مقدمه نگاری محمد زاهد الکوثری، قاهره، ۱۳۶۹ ق. مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، عبدالرحمان عبدالرحمان فرزند محمد (۷۳۲ - ۸۰۸ ق)، برگردان محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶ خ.